

دو فصلنامه تخصصی قرآن و علم، شماره ۴، سال سوم، بهار و تابستان ۱۳۸۸ ش، صص ۳۳-۶۴.

روش‌شناسی مطالعات اقتصاد اسلامی با تأکید بر مطالعات قرآنی

دکتر مهدی رستم‌نژاد

عضو هیئت علمی جامعه المصطفی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ العالمیه

سید مفید حسینی کوهساری

دانشجوی دکتری قرآن و علوم (گرایش اقتصاد)

چکیده

روش‌شناسی اقتصاد اسلامی از عرصه‌های مهم مطالعات اقتصاد اسلامی است که هر روز بیشتر از گذشته مورد توجه اندیشمندان قرار می‌گیرد و با وجود برخی پیشینه‌ها، از مباحث نوین این حوزه به شمار می‌رود. پرداختن به روش‌شناسی بدون توجه به برخی اصول و مبانی بنیادین مطالعات اقتصاد اسلامی، تلاشی ناتمام است و عمق و دقت لازم را ندارد. توجه به اصولی همچون «لزوم تناسب روش‌ها با اهداف، مبانی و اصول اقتصاد اسلامی، لزوم تناسب هدف مشروع با روش مشروع، خصوصیت چند روشی در اقتصاد اسلامی» و عنایت به مبانی از قبیل «وجود امور ثابت و متغیر در اقتصاد اسلامی، وجود اوامر ارشادی و مولوی، تاثیر زمان و مکان در اقتصاد، تاثیر گستره مذهب بر اقتصاد اسلامی، تاثیر عقل در استنباط قوانین اقتصادی و وجود عناصر موقعیتی و جهان‌شمول» در قوام و عمق بخشی به مباحث روش‌شناسی اجتناب‌ناپذیر است.

با توجه به این اصول و مبانی می‌توان روش‌های عمده مطالعات اقتصاد اسلامی با تاکید بر اقتصاد قرآنی را چنین برشمرد: استقراء، تفسیر موضوعی بیرونی، بهره‌گیری از قضایای اقتصادی اخباری اسلامی، امضاء، کشف، نظام‌مند، تاسیس.

واژه‌های اصلی: اقتصاد، روش‌شناسی، مطالعات، قرآن، مبانی.

مقدمه

دانش اقتصاد کنونی از جهات متعدد در دنیایی جدا از واقعیت‌ها و نیازها زندگی می‌کند؛ واقعیت‌هایی که از یک سو بیانگر دردها، محرومیت‌های مادی و تبعیض‌ها است و از سوی دیگر گویای ریخت و پاش‌ها و ضایعات حیرت‌آور و تاسف‌بار منابع است. دانش اقتصاد با نگرش انتزاعی و رویکرد هندسی دکارتی به جهان واقعی، دل دادن به پیش‌انگاره‌ها و الگوسازی‌های کلاسیک، به‌رغم هزینه‌های فراوان در سطح ملی و جهانی، در یافتن راه‌حل‌های ریشه‌ای برای محرومیت‌زدایی ناتوان است.

اگر قرار است دانش اقتصاد از واقعیت الهام بگیرد و به جای خود واقعیت‌های جدیدی در راستای نیازهای برآورده نشده بیافریند، باید راه و روش خود را دگرگون سازد. راه‌ها و روش‌های موجود، راه و روش توانگران اقتصادی در سطح ملی و جهانی است؛ نه لزوماً راه و روش توانا شدن همه مردم و طبقات. از سوی دیگر دریای بیکران معارف اسلامی و حقایق قرآنی، خستگان از هیاهوهای کم‌ثمر علمی را امیدوار می‌سازد و راه‌هایی استوار و دستاویزهایی محکم در اختیارشان می‌گذارد؛ حقایق و راه‌کارهایی که بخش ناچیزی از آن تاکنون شناخته و محقق شده است و ناگفته‌ها و نیافته‌های آن جز با همت عالمان، اندیشمندان و مفسران روزآمد روشن نمی‌گردد.

تاریخچه

یکی از رشته‌های علمی که اخیراً مورد توجه بسیاری از محافل علمی و اندیشمندان مختلف قرار گرفته، «مطالعه و روش‌شناسی» به طور کلی و «روش‌شناسی علم اقتصاد» به طور خاص است. این شناخت علمی تا دهه هفتاد قرن بیستم و پیش از آن به صورت زیرشاخه و زیررشته‌ای از معارف و علوم

مطرح بود، اما در دهه‌های هشتاد و نود، به ویژه در دهه اول هزاره سوم میلادی، به صورت رشته‌ای به نسبت مستقل درآمد (دادگر، یدالله، درآمدی بر روش‌شناسی علم اقتصاد، ۹).

کاربرد روش‌شناسی در هر علم و معرفتی به‌شناخت دقیق‌تر موضوع آن علم کمک می‌کند، کارایی مطالعات مربوط را افزایش می‌دهد، در صورت امکان نوعی مرز بین آن علم و علوم دیگر ایجاد می‌کند و به پژوهشگران و علاقمندان در شناسایی نظریه و روش معتبر از غیرمعتبر یاری می‌رساند (همان، ۱۳ و ۱۴).

بحث و چالش در روش‌شناسی ضرورتی مهم در دانش اقتصاد امروز و اساساً در اندیشه‌پردازی همه رشته‌هاست. مسئولیت واردآمدن مصیبت‌های بی‌شمار به زندگی مردم و نیز در حیطه اندیشه و نظریه‌سازی و تجویز در اقتصاد، بر عهده اشتباه و محافظه‌کاری‌ها در روش‌های اثبات‌گرایی، رویکرد دکارتی، نگرش نو کلاسیکی و مانند آن‌هاست. هم‌چنین اشتباه‌های نظام‌های برنامه‌ریزی و مداخله‌های ناروا در اقتصاد باید شناسایی شود و آثار روش‌شناسی به سمت روش‌های برنامه‌ریزی، ریشه‌یابی و تحول‌جو - مبتنی بر اراده، خرد، آرمان و نیازهای گسترده‌ترین بخش‌های مردمی - دگرگون گردد.

چالش‌های اساسی روش‌شناسی اقتصاد ریشه در بینش‌های فلسفی و سمت و سوی طبقاتی و ایدئولوژیک دارند. اقتصاددانان لیبرال کلاسیک، نولیبرال، کنزی، ساختارگرا، کارکردگرا، کردارگرا و رادیکال، بر سر این که واقعیت را چگونه توضیح می‌دهند و چگونه چاره‌اندیشی می‌کنند، با هم متفاوت می‌باشند. اقتصاد نو کلاسیکی و اقتصاد نولیبرال که زیر فشار نظریه پردازان بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول و همسو با سرمایه‌های بزرگ - به‌ویژه در دهه‌های اخیر - جهانی شده و گسترش یافته‌اند و خود را به روش‌های تردیدناپذیر و رسمی تبدیل

کرده‌اند، نه تنها نتوانسته‌اند فقر و بی‌عدالتی و عقب‌ماندگی - بزرگ‌ترین هدف‌های اقتصاد - را بزدايند؛ بلکه در انتقال منابع از مکان‌های محروم و زیر سلطه به سرزمین‌های مرکزی، با استفاده از اقتصاد، سیاست و ارتش‌های مسلط، ایفای نقش کرده‌اند. این وظیفه با واداشتن به پذیرش نظم ناعادلانه مسلط بر جهان - به مثابه علم - و نفی اقتصاد مبتنی بر مداخله و اراده و نادیده گرفتن تضادهای اجتماعی و پویش‌های تاریخی جامه عمل پوشیده است.

روش‌شناسی، پدیدارشناسی، ارزش‌گذاری و تجویز از مقوله‌های بسیار مهم دانش اقتصاد و اساساً تمام رشته‌های علوم اجتماعی‌اند و با به‌کارگیری آن مشخص می‌شود نظریه‌ها و استراتژی‌های علم اقتصاد از کجای زندگی واقعی بیرون می‌آیند و چه نقشی در زندگی بازی خواهند کرد.

روش‌شناسی و روش‌شناسی اقتصاد اسلامی

روش‌شناسی

روش‌شناسی، بررسی و مطالعه اصول راهنمایی‌کننده دانشجویان و دانش‌پژوهان در هر زمینه از دانش یا علم است تا با کمک آن تصمیم بگیرند که برخی از گزاره‌های مربوط به آن دانش یا علم را رد یا قبول کنند. به عبارت دیگر، روش‌شناسی به مطالعه استدلال‌های موجود، فراسوی اصولی می‌پردازد که بر مبنای آن گزاره‌های علوم و معارف مختلف رد یا قبول می‌شوند و از لحاظ کلی شعبه‌ای از فلسفه و بخشی از منطق به‌شمار می‌رود (همان، ص ۲۳ - ۲۲)، بنابراین موضوع روش‌شناسی، ارزیابی قضایای تشکیل‌دهنده رشته خاصی از علم در قالب تئوری‌ها، فرضیه‌ها و مدل‌هاست (غنی‌نژاد، موسی، مقدمه‌ای بر معرفت‌شناسی علم اقتصاد، ۲۴).

روش‌شناسی علم اقتصاد

منظور از روش‌شناسی علوم و معارف مختلف، اصول حاکم بر شیوه‌های مطالعه و بررسی آن رشته است. به اعتقاد مارک بلاگ روش‌شناسی اقتصاد از یک طرف رشته‌ای توصیفی از علم اقتصاد است، یعنی به توصیف آنچه اقتصاددانان انجام می‌دهند، می‌پردازد و از سوی دیگر رشته‌ای دستوری و هنجاری است، یعنی آنچه را که اقتصاددانان برای پیشرفت علم اقتصاد باید انجام بدهند، مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد. وی در جایی دیگر از کتاب روش‌شناسی اقتصاد، آن را کاربرد فلسفه علم در روابط با اقتصاد می‌داند (مجموعه مقالات همایش بین‌المللی بررسی اندیشه‌های اقتصادی شهید صدر، ۵۹).

روش‌شناسی اقتصاد اسلامی

مطالعات اقتصاد اسلامی و قلمروهای مختلف آن - اعم از مبانی، اصول، قلمروها، احکام، رفتارها و سازوکارهای اقتصاد اسلامی - ریشه‌ای دیرینه در مطالعات و تحقیقات اسلامی دارد و حجم قابل توجهی از منابع اسلامی - حداقل در عرصه فقه و تفسیر - به این موضوع اختصاص یافته است. با این حال بحث از روش مطالعات اقتصاد اسلامی کمتر مورد توجه بوده و بیشتر در مباحث اصولی و گاهی مباحث تفسیری به کلیت روش مطالعات اسلامی پرداخته شده است.

روش‌شناسی اقتصاد اسلامی - به‌ویژه روش‌شناسی اقتصاد قرآنی - جایگاه مهمی دارد و تفاوت در نتایج این حوزه، تفاوت زیادی را در محصول آن، یعنی حوزه‌ها و عرصه‌های اقتصاد قرآنی، خواهد داشت. همان‌گونه که بحث بنیادین قلمروهای اقتصاد اسلامی نیز در روش‌شناسی موثر است و اثبات یا نفی یک قلمرو برای اقتصاد اسلامی می‌تواند مطالعات روش‌شناسانه آن قلمرو را تحت تاثیر قرار دهد.

قرآن مهم‌ترین و اصلی‌ترین منبع اسلامی در شناخت همه معارف و نظام‌های معرفتی و اجتماعی است و مطالعات روش‌شناسانه و منطقی فهم از قرآن، جایگاه بنیادینی در مطالعات اسلامی دارد. تحقیقات روش‌شناسانه مطالعات قرآنی که در گام‌های نخستین رشد خود قرار دارد، می‌تواند با سرایت به عرصه‌های روش‌شناسی مطالعات میان رشته‌ای قرآنی کمک فراوانی به توسعه محتوایی تفسیر قرآن داشته باشد.

روش‌شناسی‌های عمده در اقتصاد

- روش قیاسی (ارسطو)
- روش استقراء (رنه دکارت و فرانسیس بیکن)
- ابزارگرایی
- اثبات‌گرایی (اگوست کنت)
- اثبات‌گرایی منطقی (ساموئلسون)
- ابطال‌گرایی (کارل پوپر)
- روش لاکاتوشی (لاکاتوش)

اصول روش‌شناسی مطالعات اقتصاد اسلامی

در این قسمت به تعدادی از اصول روش‌شناسی مطالعات اقتصاد اسلامی اشاره می‌کنیم.

اصل اول) تناسب روش‌ها با اهداف، اصول و مبانی: با وجود این که در اقتصاد اسلامی حساسیت فوق‌العاده‌ای برای رعایت اهداف و مبانی وجود دارد و آن‌ها را معامله‌ناپذیر می‌دانند؛ مقوله روش‌ها انعطاف و تنوع بیشتری دارد. این امر بدان معنی نیست که همه ابعاد و روش‌ها و انواع مصداق‌های آن مجاز و پذیرفتنی باشد؛ بلکه دو نوع سازگاری باید مورد توجه قرار گیرد.

۱. **سازگاری منطقی:** همان سازگاری منطقی روش‌ها با اهداف است و ویژه اسلام یا اقتصاد اسلامی نیست. این نوع سازگاری در هر حال باید مطرح باشد و عمدتاً در فضای مباحث متعارف علمی تبیین و توجیه شده و در شرایط مساوی در مورد بسیاری از کشورها ممکن است قابل تصور باشد؛ مثل این که در علم اقتصاد پذیرفته شده است که در شرایط تورمی و کمبود تولید - با فرض ثبات سایر شرایط - عرضه گسترده آسان اعتبارات و تسهیلات بانکی با نرخ بهره پایین یا افزایش حقوق و دستمزد، با هدف تثبیت اقتصادی کوتاه مدت ناسازگار است (دادگر، یدالله، نگرشی بر اقتصاد اسلامی، ۱۴۶-۱۴۵).

۲. **سازگاری ارزشی و مستند بودن به ادله شرعی:** این نوع سازگاری ویژه اقتصاد اسلامی است و شریعت اسلامی ما را در استفاده از روش‌ها آزاد مطلق قرار نداده است. این مسئله باعث می‌شود روش‌شناسی در اقتصاد اسلامی لزوماً منطبق بر دیگر روش‌شناسی‌ها نباشد. برای مثال روش «اقتصاد خطابه‌ای» (Rhetoric of Economics) که مجاب کردن طرف مقابل نسبت به نظریه خود با هر روش ممکن است، نمی‌تواند با روش اقتصاد اسلامی برابر باشد؛ چرا که مبانی این نوع دیدگاه که از لحاظ فلسفه علم به ضد روش معروف است، به نوعی هرج و مرج و بی‌روشی می‌انجامد (همان، ۱۴۷).

اصل دوم) تناسب هدف مشروع با روش مشروع: اصل کلی که باید درباره روش‌ها و اهداف و مبانی به آن توجه کرد، این است که اسلام دیدگاه ماکیاولیستی «هدف مجوز کاربرد هر نوع وسیله است» را قبول ندارد. ممکن است بتوان از یک راه غیر مشروع به هدفی مهم رسید، اما این راه در اسلام مجاز نمی‌باشد و آیات و روایات و سیره عملی معصومان تأکید زیادی بر لزوم همراهی ابزار و هدف در زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی و حتی سیاسی - به‌طور کلی در

مسائل غیراقتصادی - دارد. اگرچه این تاکیدها در مسائل اقتصادی با صراحت کمتر وجود دارد، اما با توجه به اصل تنقیح مناط همین ملاک در امور اقتصادی نیز جاری می‌شود (همان، ۱۴۹) و به عبارت دیگر امور روش‌شناختی در اقتصاد اسلامی پیوندی ارزشی و معرفت‌شناسی نیز دارد. آیاتی چون «وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ اَنْ صَدُّوْكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ اَنْ تَعْتَدُوْا وَتَعَاوَنُوْا عَلٰى الْبِرِّ وَالتَّقْوٰى» (مائده/ ۲)، «اتَّقُوا اللّٰهَ وَابْتَغُوا اِلَيْهِ الْوَسِيْلَةَ» (مائده/ ۳۵) و آیات فراوان دیگر که در متن حوادث اجتماعی و حتی جنگ و درگیری به تقوی و رعایت حدود الهی امر کرده‌اند، گویای تاکید قرآن بر طی کردن مسیرهای تایید شده الهی برای رسیدن به اهداف الهی می‌باشند.

اصل سوم) ویژگی چند روشی در اقتصاد اسلامی: به نظر می‌رسد اقتصاد اسلامی با فرض سازگاری ابزار با مبانی و اهداف و تحفظ بر مبانی و اصول، طبیعتی چند روشی دارد؛ همان‌گونه که دین از منظر روش‌شناسی، حوزه‌ای چند روشی است. به عبارت دیگر، همان‌گونه که در کلیت دین می‌توان از همه روش‌ها (عقلانی، تجربی، حسی، کشف و شهود، وحی و...) بهره گرفت، در اقتصاد اسلامی نیز به طور اجمال می‌توان از روش‌های مختلف استفاده کرد.

شهید صدر اگرچه در تبیین کیفیت مکتب‌سازی و رسیدن از روبنای احکام به زیربنای اصول مکتبی اقتصاد اسلامی به چند روش در اقتصاد اسلامی اشاره نمی‌کند، اما معتقد است که ممکن است چندگونه مکتب یا نظام اقتصادی اسلام ساخته شود و در عین حال همه درست باشند و در ظاهر نوعی از تکثر را در استخراج مکتب اقتصادی اسلام می‌رساند و آن را عملیاتی اجتهادی و به‌کارگیری عملیات استنباط در نظریه‌پردازی می‌داند (صدر، اقتصادنا، ۴۰۱ - ۳۸۲).

اساساً همین که عده‌ای از محققان اقتصاد اسلامی آن را تنها یک مکتب تلقی می‌کنند، برخی علم، گروهی علم و مکتب و تعدادی دارای نظام می‌دانند، نشانه پذیرش چند روش است.

اگر بتوان این امر را به اثبات رساند، حداقل مانع حاکمیت نوعی استبداد در روش می‌شود و از همه تخصص‌ها و روش‌ها می‌توان استفاده کرد. با این حال نباید فراموش کرد که چند روش اگر حول یک مجموعه مبانی شناخته شده و پذیرفته شده نباشد، جدل‌های کم فایده‌ای ایجاد خواهد کرد که ما را به نتیجه مناسبی نخواهد رساند. هم چنین زمینه لغزش‌ها یا انحراف‌هایی را می‌تواند فراهم نماید (دادگر، یدالله، همان، ص ۱۵۶ - ۱۵۵).

مبانی روش‌شناسی اقتصاد اسلامی

قبل از معرفی و بررسی روش‌هایی از مطالعات اقتصاد اسلامی - به‌ویژه روش‌های مطالعات اقتصاد قرآنی - لازم است به برخی از مبانی روش‌شناسی مطالعات اسلامی اشاره کنیم. بدیهی است هرگونه تغییر در این مبانی، تفاوت‌های زیادی را در عرصه روش‌شناسی ایجاد خواهد کرد. هم‌چنین لازم به یادآوری است که اگرچه هر کدام از مبانی مذکور مورد تایید عالمان مسلمان است، اما در تفصیل و جزئیات آن‌ها اختلاف نظرهایی وجود دارد. ما در این مجال وارد اختلاف نظرها نمی‌شویم و به ارائه اجمالی از بحث بسنده می‌کنیم.

برخی از مبانی ذکر شده ممکن است با هم تداخل داشته باشند، اما تصریح به ذکر آن‌ها موجب توضیح بیشتر مطلب است. در ضمن ادعای نگارنده جست‌وجوی کامل مبانی نیست.

(۱) وجود امور ثابت و متغیر در اقتصاد اسلامی: برخی از عناصر و لوازم

الگوی اقتصاد اسلامی دائمی و عده‌ای متغیرند، یعنی زمینه تعدیل و تحول در

طبیعت نظریه وجود دارد. تاکید بر این نکته لازم است که اجازه تغییر نیز توسط خود دین صادر می‌شود. شاید به همین دلیل برخی همه احکام را ثابت می‌دانند. برخی از امور شرعی - به‌طور کلی - و امور و عناصر اقتصادی - به شکل خاص - که در قالب سنت‌های الهی هستند و به پایه‌های تفکر اقتصادی مربوط می‌شوند، دایمی و تغییر ناپذیرند «سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا» (فتح / ۲۳) و برخی دیگر متغیر می‌باشند. این یک مبنا و در حد خود یک برتری روشی در اقتصاد اسلامی شمرده می‌شود، یعنی در طبیعت نظریه زمینه تعدیل و تحول وجود دارد. مثل عدالت یا عزت اسلامی که اصل آن تغییر ناپذیر و شرایط و لوازم آن متغیرند. مثال دیگر این که در اقتصاد اسلامی و به گونه عام‌تر در اسلام، رجوع به عرف یکی از زمینه‌های شناخت موضوع و در نتیجه صدور حکم مربوط به آن می‌باشد (دادگر، یدالله، همان، ۲۰۲ - ۲۰۰) به این صورت که در بررسی یک موضوع نظر متخصصان اقتصادی مربوط به آن موضوع مبنای ارزیابی واقع می‌شود.

این موضوع از یک جهت توجه خاص اسلام را نسبت به متخصصان و خبرگان هر رشته و هر موضوع می‌رساند و از سوی دیگر نشان دهنده ملاحظات خاص مربوط به تحولات زمانی است. علامه طباطبایی در خصوص آیه «وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ» (اعراف / ۱۹۹) می‌فرماید:

«عرف چیزی است که عقلای جامعه آن را بپسندند و مخالف سنت‌های حاکم بر جامعه نباشد و در ضمن موضوع آن مورد توجه و پذیرش گروه مورد نظر عقلا باشد» (طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر قرآن، ۸، ۳۹۷).

۲) وجود اوامر مولوی و ارشادی و امضایی: عالمان علم اصول معتقدند اوامر و نواهی موجود در شریعت دو دسته‌اند؛ مولوی و ارشادی. امر در مولوی دستور

مستقل شارع مقدس است، ولی در ارشادی امری است که عقل بشر آن را تشخیص می‌دهد و خداوند بر آن تأکید می‌کند (اصول مظفر، ۱، ۱۵۳).

وجود اوامر ارشادی نشان می‌دهد که عقل بشر می‌تواند پاره‌ای از اوامر و نواهی الهی را تشخیص دهد، ولی خداوند (یا پیامبر و امام) برای تأکید، آن امر یا نهی را بیان می‌کند. علمای علم اصول اوامر و نواهی ارشادی را مانند اوامر و نواهی صادر شده از سوی پزشکان در مورد مریض می‌دانند (انصاری، شیخ مرتضی، فرائد الاصول بالرسائل، ۲۲۸).

امور امضایی نیز مورد توجه و عمل عقلا هستند و پیامبر آن‌ها را پس از احراز عدم تعارض با اسلام، تأیید می‌کند. این امر همراه امر ارشادی تأیید و تأکید بر قراردادهای عقلایی می‌باشد (دادگر، یدالله، همان، ۲۱۰).

۳) تاثیر زمان و مکان بر اقتصاد اسلامی: مطابق تصریح برخی از فقهای عظام، زمان و مکان دو عنصر تعیین کننده در اجتهادند. مسئله‌ای که در قدیم حکم داشت، ممکن است در روابط حاکم بر سیاست، اجتماع و اقتصاد یک نظام حکم جدیدی بیابد، بدین معنا که با شناخت دقیق روابط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، موضوع واقعاً عوض شود و موضوع جدیدی شکل بگیرد که حکم جدیدی هم می‌طلبد (خمینی، روح الله، صحیفه نور، ۲۱، ۹۸).

از سوی دیگر بدیهی است دگرگونی‌های مربوط به علوم و رشته‌های مختلف بسیار زیاد است و در مواردی برخی موضوعات تغییر می‌کنند. برای بررسی و ارزیابی نقطه نظر شرعی به مطالعه جدید و احیاناً صدور حکم جدید نیاز خواهد بود.

مرحوم آخوند در همین راستا درباره نیاز به قواعد اصولی و مباحث روشی و میزان آن، تفاوت مسائل مورد نظر و حتی تفاوت افراد بررسی کننده و زمان بررسی موضوع را مورد ملاحظه قرار می‌دهد (آخوند، کفایه، ۶۸)، همان گونه

که بحث پیشین - در خصوص اعتبار عرف صاحب‌نظران اقتصادی - نیز تأکیدی بر تاثیر مکان و زمان در اجتهاد است.

۴) تاثیر عقل و عقلا در استنباط قوانین اقتصادی: عقل یکی از دلایل مستقل، از ادله چهارگانه برای استنباط شرعی است و قطع عقلای اقتصادی، مشروعیت بخش به محتوای عمل آنان است و نیازی به نظر شارع وجود ندارد. مرحوم آخوند در این زمینه می‌گوید:

«لاشبهة في وجوب العمل على وفق القطع عقلاً ولزوم الحركة على طبقه جزماً وكونه موجباً لتنجز التكليف الفعلي» (همان، ۲۵۸).

البته محدوده تنجز حکم عقلی محل اختلاف است، مثلاً برخی بین حکم عقل و حکم شرع قاعده ملازمت را جاری می‌دانند و عده‌ای تا حکم قرآن و حدیث هست، به حکم عقل اعتنا نمی‌کنند.

۵) تاثیر گستره مذهب بر اقتصاد اسلامی: یکی از موضوعات مهم و تاثیرگذار دهه‌های اخیر مجامع دینی داخل و خارج کشور، بحث بر قلمرو دین و صحت یا نادرستی تعابیری چون «دین حداقلی» و «دین حداکثری» است. به همین ترتیب اختلاف نظرهایی در محدوده احکام ثابت و منجز و احکام غیر منجز و متغیر در چارچوب احکام دینی در گرفته است. روشن است اتخاذ مبنا در خصوص قلمرو دین و قلمرو احکام ثابت و متغیر، تاثیر چشم‌گیری در محدوده اقتصاد اسلامی و به تبع مباحث روشی آن می‌تواند داشته باشد. به‌عنوان نمونه به بحث صحت یا نادرستی نظریه «منطقه الفراغ» و قلمرو آن که توسط شهید صدر مطرح شده است، اشاره می‌کنیم و به بررسی اجمالی آن می‌پردازیم تا روشن شود بحث در گستره مذهب چگونه می‌تواند بر مباحث روش‌شناسی اقتصاد اسلامی تاثیر بگذارد.

۱-۵ دیدگاه منطقه الفراغ: شهید صدر تمام احکام اسلامی را به دو دسته

زیر تقسیم می‌کند:

الف) بخشی از احکام دینی چنان است که شارع قوانین آن را به گونه‌ای قطعی و مشخص وضع کرده است و هیچ دگرگونی در آن راه ندارد.

ب) بخش دیگر از احکام در منطقه الفراغ قرار دارد و رسالت قانون‌گذاری آن به عهده دولت اسلامی (ولی فقیه) گذاشته است تا براساس مقتضیات زمان، برای رسیدن به اهداف عمومی اقتصاد اسلامی، قانون‌گذاری کند. به همین خاطر این دسته از احکام اقتصادی شریعت متغیر است (صدر، اقتصادنا، ۴۰۱).

در گذر زمان وقتی رابطه انسان با طبیعت - به علت تکامل امور تکنیکی - دگرگون می‌شود و مسائل جدیدی را فرا روی او قرار می‌دهد، اسلام باید راه‌حل‌های متناسب با آن‌ها را ارائه دهد و همین جاست که ایده منطقه الفراغ به کار گرفته می‌شود و ولی امر برحسب شرایط زمان و مکان در جهت اهداف اقتصاد اسلامی مقرراتی را وضع می‌کند (همان، ۷۲۲ - ۷۲۵)؛ البته منطقه الفراغ به معنای نقص یا اهمال در تشریح نیست، بلکه دلیلی است بر فراگیری و توان شریعت در حل تمام مسائل و مشکلات که در حوزه مباحثات شرعیه جاری می‌شود.

۲-۵ دیدگاه جهان‌شمولی مذهب (نقد دیدگاه منطقه الفراغ): دیدگاه

جهان‌شمولی مذهب وجود منطقه فارغ از تشریح را نمی‌پذیرد و مدعی است گستره مذهب شامل همه حوزه‌های فردی و اجتماعی است؛ بدین صورت که در اقتصاد اسلامی، «جهان‌بینی اسلامی» اهداف و ارزش‌ها را تولید می‌کند و براساس آن‌ها قواعد اساسی که نشانگر روش اسلام در دستیابی به اهداف است، وضع می‌گردد. این قواعد نیز زیربنای الگوهای رفتاری و الگوهای روابط قرار می‌گیرند که به وسیله احکام حقوقی و اخلاقی تبیین شده‌اند. این زنجیره - از جهان‌بینی تا احکام ثابت در حوزه اقتصاد - که ارائه دهنده طرح نظری اقتصادی اسلام با همه اجزا و مبانی آن می‌باشند (یوسفی، احمد علی، ماهیت و ساختار اقتصاد اسلامی،

(۱۰۲)، به زمان یا مکان خاصی وابسته نیست و آن چه برای هر عصر و وضع باقی می‌ماند، تطبیق این طرح نظری بر خارج، به تناسب شرایط، است.

همین امر راز عدم تنافی بین ثبات دین و تغییر شرایط است و بر خلاف نظر شهید صدر، عرصه‌ای به نام منطقه الفراغ وجود ندارد، بلکه در طرح نظری هم، منطقه تشریح پر است و آن چه حکومت انجام می‌دهد، تطبیق این طرح در عالم خارج است و اگر هم تزاممی رخ دهد، فراتر از احکام فرعی فقهی است و دامنه اهداف و مبانی را نیز می‌گیرد.

حکم متغیر یا حکم حکومتی یا مصلحت نیز چیزی جز تقدیم اهم بر مهم که در سطح کلان‌تر جزء محدوده اسلام است، به شمار نمی‌رود (همان، ۱۲۲ - ۱۲۴).

همان گونه که دیدگاه منطقه الفراغ و دیدگاه جهان شمولی مذهب، نشان می‌دهد نوع تلقی از احکام متغیر در دو دیدگاه متفاوت است و هر کدام روش ویژه خود را برای دستیابی به احکام ثابت و متغیر بیان می‌کنند.

۶) عناصر جهان شمول و موقعیتی در اسلام: گنجینه معارف اسلامی پر از

عناصر جهان شمول و موقعیتی است. تا کنون عمده عالمان دینی در برخورد با دین و مجموعه معارف اسلامی شیوه خردنگر را دنبال کرده‌اند و هرگاه با پرسشی روبه‌رو شده‌اند، کوشیده‌اند پاسخی در خور آن بیابند. در این روش هیچ‌گاه ارتباط عناصر جهان شمول با هم و روابط آن‌ها با عناصر موقعیتی لحاظ نمی‌شود. استاد هادوی تهرانی در زمینه می‌گوید:

«رویه غالب آن بوده که هرچه در دین یافت می‌شد، به عنوان امری ثابت و لاتغییر تلقی می‌گشته است؛ مگر آنکه نشانه‌ای بر خلاف آن یافت شود و در این صورت به عنوان حکم متغیر محسوب می‌شده و هیچ جست‌وجویی از حکم یا احکام ثابتی که ریشه آن را تشکیل می‌داده‌اند، نمی‌شده است.

این رویه باعث شده است تا مباحث اسلامی فاقد نگرش کلان و نظام‌مند باشد و اجزای ساختار اندیشه اسلامی بی هیچ آداب و ترتیبی کنار هم قرار گیرند. این کنار هم آمدن، هر چند در نهایت نظمی را پدید آورده، ولی هیچ‌گاه ترابط منطقی اجزاء و نحوه تأثیر و تأثر آنها در یکدیگر مورد کاوش و دقت نظر واقع نشده است. از سویی به نحوه پیدایش عناصر موقعیتی در نصوص دینی چندان توجهی نشده است (همان، ص ۹۲ - ۹۴).

«از سوی دیگر نحوه تأثیر زمان و مکان در عناصر دینی و چگونگی نقش موقعیت در آنها به وضوح تبیین نشده و ارتباط عناصر موقعیتی با عناصر جهان شمول به گونه‌ای منطقی واضح نشده است» (همان، ص ۹۳، مقاله استاد هادوی تهرانی).

«امکان دارد برخی از آنچه در قرآن کریم یا سنت معصومان وارد شده است با توجه به موقعیت روزگار نزول و فرهنگ مخاطبان آن عصر وارد شده باشد و این احتمال به‌ویژه در سنت معصومان و بالخصوص در امور مربوط به عموم مردم یعنی امور اجتماعی بسیار تقویت می‌شود. اگرچه عمده فقها اصل ثبات را پذیرفته و حکم را مربوط به همه زمانها و مکانها دانسته‌اند اما باید دقت داشت که مستند آنها اصالت اطلاق یا اصالت اشتراک است؛ در حالیکه اصالت عدم قرینه که همیشه به اطلاق منجر نمی‌شود و در مواردی که احتمال وجود قرینه ارتکازی می‌رود شهادت سکوتی راوی، این احتمال را نفی نمی‌کند (قرینه ارتکازی قرینه‌ای که در اثر وجود فضای خاص فرهنگی سیاسی، اجتماعی... در ذهن عامه مردم وجود دارد به گونه‌ای که سخن را همراه آن تفسیر و از مفادش استفاده می‌کنند)، یعنی اگر عنصری دینی در متون یافت شود و ما احتمال دهیم که این عنصر در زمان بیان آن به دلیل زمینه‌های خاص فرهنگی بیان شده است، با توجه به ارتکازی بودن چنین زمینه‌هایی نمی‌توانیم این احتمال را با شهادت سکوتی راوی یا اصل دیگری نفی کنیم؛ بلکه باید دلیلی بر نفی آن بیابیم» (همان، ۱۰۲).

ارتباط آموزه‌های اقتصاد اسلامی با روش‌های شناخت و کشف آنها

آموزه‌های اقتصاد اسلامی با روش‌های استنباط و شناخت آموزه‌های

اقتصادی اسلام ارتباط دو سویه و تنگاتنگ دارند و تفاوت در هر کدام تفاوت در دیگری را به همراه خواهد داشت.

از سویی تفاوت در روش کشف و استخراج آموزه‌های اقتصادی اسلام، اختلاف‌های فراوانی را در محصول نهایی آن که همان آموزه‌های اقتصادی اسلام است، همراه خواهد داشت و از سوی دیگر فرض قلمروهایی خاص برای آموزه‌های اقتصادی اسلام، به روش‌های خاص همان قلمرو نیز رهنمون خواهد شد. بدیهی است هرچه قلمرو اقتصاد اسلامی را گسترده‌تر بدانیم، روش‌های مطالعه و بررسی آن‌ها نیز ممکن است گسترده‌تر و متنوع‌تر گردد. برای مثال اگر حیطة سازوکار اقتصادی و برنامه‌ریزی‌های خرد اقتصادی را نیز از اسلام توقع داشته باشیم، به ناچار بهره‌گیری از بسیاری از علوم پایه و علوم تجربی و یا ریاضیات و آمار ممکن است به‌عنوان روش‌هایی برای کشف آموزه‌های اقتصاد اسلامی از جمله روش‌ها به شمار آید.

در این زمینه لازم است قلمروهای قابل تصور اقتصاد اسلامی را بر شماریم و توجه داشته باشیم که پی‌جویی حوزه روش‌شناسی اقتصاد اسلامی در هر کدام از این قلمروها، مطالعه و بررسی خاص خود را به همراه خواهد داشت. در یک نگاه کلان می‌توان گفت که قلمرو اقتصاد اسلامی بین دو دیدگاه حادث قرار دارد:

(۱) برخی عقیده دارند اقتصاد اسلامی معرفتی کاملاً علمی است و حتی علمی بودن آن در ردیف اقتصاد متعارف است و در تجزیه و تحلیل‌های خود از معیارها و ضوابط و حتی قواعد و فرمول‌های اقتصاد نئوکلاسیک استفاده می‌کنند و با وارد کردن رفتارهای اسلامی با احکام اسلامی، به اعمال برخی اصلاحات جزئی در نظریه‌های اقتصاد متعارف مبادرت می‌کنند (پیشینه‌گرایان)، البته کاربرد

روش ریاضی و هندسه در تجزیه و تحلیل اقتصاد اسلامی نه تنها اشکالی ندارد، بلکه با حفظ اصول می‌تواند کاملاً مفید باشد، یعنی روش‌های یاد شده باید به شکلی طبیعی و هماهنگ با دیگر عناصر اصلی اقتصاد اسلامی به کار رود و تنها جنبه ظاهرسازی و علم‌نمایی نداشته باشد.

۲) در مقابل، دیدگاه دیگری وجود علم اقتصاد اسلامی را مردود می‌شمارد. (با این تعریف که علم وظیفه کشف و بررسی داشته و بر مبنای داده‌های تجربی مربوط به رفتارهای مردم، تدوین می‌شود و به ارزش‌گذاری نمی‌پردازد)، از این رو فرقی بین دانشمند فیزیک و اقتصاددان وجود ندارد (صدر، همان، ۳۳۳ - ۳۳۰).

شهید صدر که از سرآمدان این تفکر است، عقیده دارد زمانی می‌توان علم اقتصاد اسلامی را مطرح کرد که رفتارهای مردم با اسلام تطابق داشته باشد و علم اقتصاد اسلامی را بتوان از طریق جمع‌آوری داده‌های واقعی در جامعه اسلامی استخراج کرد (همان)، البته این تبیین از علمی بودن تنها یکی از دیدگاه‌های علمی بودن آن به صورت اثباتی است. (دادگر، یدالله، نگرشی بر اقتصاد اسلامی، ۱۸۰).

از نگاهی دیگر و با تفصیل بیشتر قلمروهای اصلی قابل تصور در اقتصاد اسلامی به این ترتیب است:

۱. **فلسفه اقتصادی اسلام:** قضایای هستی که نوع نگرش اسلام را به خدا و جهان و انسان از زاویه مرتبط با اقتصاد و معیشت فرد و جامعه بیان می‌کند (احمد علی یوسفی، همان، ۱۰۹).

۲. **مکتب:** قضایای بایدی استنتاج شده از فلسفه اقتصادی شامل مبانی و اهداف؛ - **مبانی:** اصول مسلم در اقتصاد که زیربنای اقتصادی را شامل می‌شود، مانند مالیت و ارزش...؛

- **اهداف:** اغراض و مقاصد نظام اقتصادی مانند عدالت، عزت اسلامی و... .

۳. **نظام:** مجموعه نهادهای جهان شمول که با یکدیگر و به صورت منظم بر اساس مبانی در جهت اهداف اسلام سامان یافته‌اند.

۴. **حقوق:** قوانین برخاسته از نظام و سازوکار اقتصادی؛ حقوق و احکام اقتصادی از یک سو در مقایسه با آموزه‌های عرصه مکتب رو بنا شمرده می‌شوند و از سوی دیگر بستر حقوقی استخراج الگوهای رفتاری‌اند.

۵. **الگوهای رفتاری:** الگوهای رفتاری برگرفته از تعالیم اسلامی در سه حوزه تولید، توزیع و مصرف است که فعالان اقتصادی اعم از دولت و مردم را به گروه‌ها و افراد، به هم و به منابع ارتباط می‌دهد و فعالیت‌های اقتصادی را به سوی اهداف اقتصادی هدایت می‌کند (همان، ۱۰۲).

آن چه اسلام در یک ساحت از حیات آدمی با خود به ارمغان آورده، با آنچه در دیگر زمینه‌ها مطرح کرده است، ارتباط محکم دارد، زیرا فلسفه اقتصادی اسلام مانند فلسفه سیاسی آن از جهان بینی اسلامی سرچشمه می‌گیرد و مکتب و نظام اقتصادی بر مبنای آن سامان می‌یابد. بنابراین بین فلسفه اقتصادی اسلام و فلسفه سیاسی آن و همین‌طور بین مکتب اقتصادی اسلام و مکتب سیاسی آن یا نظام اقتصادی اسلام و نظام سیاسی آن ارتباط مستحکمی وجود دارد؛ به گونه‌ای که مجموعه این امور از وحدت و سازگاری کامل برخوردار است (هادوی تهرانی، مکتب و نظام اقتصادی اسلام، ص ۳۴).

برای دستیابی به فلسفه، مکتب، نظام و سازوکار در یک زمینه باید مراحل زیر را پشت سر گذاشت:

۱. استخراج و کشف عناصر دینی؛
۲. تفکیک عناصر جهان شمول از موقعیتی؛
۳. دستیابی به عناصر جهان شمولی که در پشت عناصر موقعیتی نهفته‌اند؛

۴. طبقه‌بندی عناصر جهان شمولی در سه گروه فلسفه، مکتب و نظام؛
۵. هماهنگ‌سازی عناصر جهان شمول برای رسیدن به مجموعه‌های سازگار؛
۶. طراحی سازوکار براساس عناصر جهان شمول (همان، ۳۵).

روش‌های تحقیق در اقتصاد اسلامی

۱. روش استقراء

در استقرای ناقص نتیجه نسبت به مقدمات اعم است و استقراء مفید علم نیست، لذا این استقراء معمولاً از سوی عالمان مسلمان مورد استدلال واقع نمی‌شود، از این‌رو برای رسیدن به حکم قطعی، عده‌ای از اندیشمندان به یاری گزاره‌های فلسفی و ارائه کبرای بدیهی عقلی، نوعی قیاس خفی تشکیل داده‌اند که نتیجه‌اش دست‌یابی به قطع از حکم استنباطی ناشی از استقراء است.

شهید صدر با وارد کردن حساب احتمالات برای حل مشکل استقراء، مسیر جدیدی را برای توجیه ذاتی معرفت گشود؛ بدین گونه که با افزایش مصادیق و نمونه‌ها مقدار احتمال یک طرف علم اجمالی تا حد یقین افزایش می‌یابد. به این ترتیب بدون تشکیل قیاس ارسطویی، می‌توان با استقرای ناقص در بعضی از قضایای علوم به حکم قطعی رسید.

ایشان از این روش در بعضی آثارش از جمله اقتصادنا برای کشف مکتب اقتصادی اسلام بهره گرفته است. وی در کشف مکتب اقتصادی اسلام و حرکت از روبنا به زیربنای اقتصاد، از این روش بهره می‌گیرد، زیرا در روش علمی او در مرحله اول نصوص و روایات، احکام و قوانین مربوط به اقتصاد اسلامی جمع‌آوری می‌شود (صدر، همان، ۷) و در مرحله دوم به جمع‌بندی ادله جمع‌آوری شده و استخراج قوانین عام پرداخته می‌شود. این روش مثل استقراست که در آن پس از جمع‌آوری نمونه‌ها و مثال‌ها، به یک حکم عام منتقل می‌شود.

شهید صدر، احتمال را نسبت عدد علم به عدد اطراف علم تعریف می‌کند

(صدر، مبانی منطقی استقراء، ۱۹۳). وی وصول به مکتب اقتصادی، اسلام را منحصر در اجتهاد می‌داند. با این حال شخصیت مجتهد را در استخراج احکام - به ویژه در ۴ محور - زیر مؤثر می‌داند:

۱. ملاحظه واقعیت‌ها؛

۲. گنجاندن نص در چارچوب محدود؛

۳. انتزاع دلایل قانونی از شرایط مقتضیات آن‌ها؛

۴. موضع‌گیری پیش ساخته ذهنی در برابر متن (صدر، اقتصادنا، ۴۹ - ۳۹).

شهید صدر چون اجتهاد را ظنی می‌داند، تلاش می‌کند با جمع‌آوری اجتهادهای مختلف و کم کردن مقدار خطا، بر مقدار احتمالی واقع‌نمایی الگوی استخراجی بیفزاید (همان، ۵۰، کیاالحسینی، سید ضیاء الدین، بررسی اندیشه‌های اقتصادی شهید صدر، ۸۸ - ۱۲۰).

۲. روش تفسیر موضوعی بیرونی

در این روش مسئله‌ای فکری، علمی، اعتقادی، اجتماعی و... مطرح می‌شود و با نظرخواهی از قرآن درباره یافته‌های بشری سامان می‌یابد. نقطه شروع تحقیق در این روش این است که مفسر کار خود را با واقعیت موجود و محصول تجربه بشر در متن زندگی آغاز می‌کند و با شناسایی عناصر اصلی موضوع، پرسش‌ها و خلاءهای موجود را مطالعه و سپس به قرآن مراجعه می‌کند (شهید صدر، اقتصادنا، ۴۸ - ۵۱). مفسر در این روش نقشی فعال یافته و فارغ از قضاوت پیشین، به قرآن رجوع می‌نماید. او به تحلیل‌های علمی فقط از جهت ارائه عناصر اصلی موضوع اعتماد می‌کند و با دیده تردید بدان می‌نگرد و با مقایسه و عرضه آن بر وحی، در پی کشف درستی و نادرستی و نیز انتساب آن به قرآن برمی‌آید. پویایی و پیش‌روی تفسیر در این دیدگاه بسیار مشهود است (همان، ۵۴).

یکی از نمونه‌های مورد اشاره شهید صدر مسئله هماهنگی منافع فرد و اجتماع است. وی با توجه به دیدگاه متضاد اقتصاد مارکسیستی و سرمایه‌داری، اشاره می‌کند که مراجعه به قرآن تنها راه حل است و می‌گوید: دین وجه مشترکی بین انگیزه‌های ذاتی و مصالح عمومی و اجتماعی ایجاد می‌کند و در فرد اندیشه جدیدی را درباره مصالح و سودهای شخص پدید می‌آورد. او به آیاتی نیز (مانند: مومن / ۴۰؛ فصلت / ۴۶؛ جاثیه / ۱۵؛ زلزال / ۶؛ آل عمران / ۱۶۹؛ توبه / ۱۲۰ و ۱۲۱) نیز اشاره می‌کند (همان، ۳۰۵ - ۳۱۰).

از دیگر مثال‌های شهید صدر در این خصوص، استنباط مالکیت مختلط از منابع دینی با همین روش است. از ویژگی‌های مهم این روش توجه زیاد به علوم انسانی است و این که قابلیت تطبیق بر علوم انسانی را نیز دارد (کیاالحسینی، سید ضیاء الدین، همان، ۴۳۱).

امروزه روش تفسیر موضوعی برون‌گرا به عنوان روش علمی قابل طرح، از ویژگی مسئله محوری برخوردار است. تحقیق مسئله محور، تحقیقی است که با مسئله آغاز می‌شود و آن چه برای حل مسئله مورد نیاز است، به میان می‌آید. موضوع تحقیق در این نوع تحقیق امری تبعی و ثانوی است. این نوع تحقیق سبب پیدایش نوآوری از حیث مسئله، طرح فرضیه نو، تبیین نظریه جدید یا روش نوین می‌گردد (قراملکی، احد فرامرز، روش‌شناسی مطالعات دینی، ۱۲۰ - ۱۱۵).

۳. روش بهره‌گیری از قضایای اخباری اقتصادی اسلامی (قضایای اخباری قرآنی)

در خصوص اقتصاد، گاه گفته می‌شود که اقتصاد یا سایر علوم انسانی اثباتی و علمی‌اند و توانایی تحمل احکام ارزشی را ندارند و حاوی قوانین عام و جهان شمول می‌باشند.

در نظریه‌های اقتصادی اگرچه احکام ارزشی و دستوری، نقش و تاثیر ویژه

خود را ایفا می‌کنند، اما از سوی دیگر بسیاری از قلمروهای علم اقتصاد اثباتی‌اند و بدون دانستن جنبه‌های اثباتی، نمی‌توان با صرف گزاره‌های دستوری به نظام سازی و نظریه‌پردازی پرداخت. اسلام گرچه در اصل دستوری است، اما مفاهیم و فرضیات اثباتی اقتصادی فراوانی دارد که توجه به آن، زمینه را برای نظریه پردازی‌ها و نظام سازی‌های اقتصادی فراهم می‌نماید.

توجه به جنبه‌های اثباتی تحلیل اقتصادی می‌تواند گزاره‌ها و مفاهیم جدید اقتصادی را روشن نماید، مثلاً از آیه ۱۳۱ طه یا ۳۲ نساء برداشت می‌شود که تقاضای فرد برای کالا از مصرف دیگران تاثیر می‌پذیرد. در این صورت می‌توان فرضیه اساسی اسلامی را مبنی بر «تاثیر و تاثر درونی و متقابل مطلوبیت‌های فردی» فهمید که با فرض استقلال مطلوبیت‌ها - که شالوده قسمت اعظم نظریه رفتار مصرف کننده و اقتصاد رفاه است - در تضاد قرار می‌گیرد.

با این حال باید توجه داشت که بایدها و نبایدها و نیز هست‌ها و واقعیت‌ها که در ظاهر دستوری یا اثباتی‌اند، در حقیقت عباراتی مختلط هستند که در درون خود هر دو نوع گزاره را دارند (پروفسور خورشید احمد، مطالعاتی در اقتصاد اسلامی، ۲۰ - ۲۷، مقاله دکتر انس زرقاء).

ویژگی‌های این دسته از گزاره‌ها چنین است:

۱. فارغ از بحث‌های ارزشی، قابل آزمون و ابطال پذیری‌اند.
۲. می‌توان در تحقیق آن‌ها از روش تجربی نیز استفاده کرد.
۳. قابلیت تبیین و توصیف و پیش‌بینی دارند.
۴. با توجه به اخباری بودن آن‌ها، می‌توان در نظریه پردازی‌های اقتصادی از آن‌ها بهره‌برداری خاص کرد.

۴. روش امضاء

فقه اسلام از یک دیدگاه به معاملات و عبادات تقسیم می‌شود. مشهور میان فقیهان معاصر آن است که احکام عبادات تأسیسی‌اند و احکام معاملات امضایی هستند. به عبارت دیگر تمام معاملات با توجه به عرف، عقلا و قراردادهای انسانی و اجتماعی که لازمه زندگی اجتماعی است، انجام می‌شوند، لذا برای شناسایی انواع معاملات و احکام آن‌ها باید از عرف، عقلا و قراردادهای آن‌ها بهره جست. شارع اسلام گرچه برخی از معاملات را غیرمجاز و حرام می‌شمارد، اما بسیاری از معاملات را نیز با افزودن یا کاستن برخی قیدها و شرطها مباح و مجاز می‌داند.

برای اثبات این روش، فقیهان و اصولی‌ها با استناد به ادله‌هایی چون عموم آیه «**أَوْفُوا بِالْعُقُودِ**» (مائده/۱) یا «**المؤمنون عند شروطهم**» یا «**الناس مسلطون علی اموالهم**»، ضرورت جلوگیری از اختلال نظام و پرهیز از عسر و حرج را استفاده کرده‌اند (احمد علی یوسفی، روش‌های کشف آموزه‌های اقتصاد اسلامی، مجله اقتصاد اسلامی، ۱۵۶ - ۱۵۸).

گرچه در برخی از این دلایل ابهامات و سئوالاتی وجود دارد؛ در مجموع ثابت می‌شود تمام معاملاتی که عرف و عقلا در زندگی خود انجام می‌دهند، مورد تایید و امضای شارع است؛ مگر آن که عقد و معامله‌ای ربوی، غرری، ضرری و.. باشد، یعنی شرع هر عقدی را که در محیط عرف جریان یابد، امضا می‌کند؛ مگر آن که با ادله نهی منافات داشته باشد.

با استفاده از این روش قلمرو احکام اقتصادی و رفتارهای اقتصادی قابل بررسی و رد و قبول است. این عموم در خصوص «**أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا**» (بقره/۲۷۵)؛ کاملاً مشهود است و همه مصادیق عرفی بیع را شامل می‌شود (همان، ۱۶۰)؛ در عین این که درمی‌یابیم تمام معاملات ربوی عرف و عقلای

دنیا مخالف با حکم ثابت شده پیشین بوده و مردود شمرده شده‌اند؛ مگر در موارد استثنای ربا.

براساس این روش احکام رفتاری اقتصادی عرف و عقلای دنیا در عرصه عقود و معاملات بررسی می‌شود و هر رفتاری که با احکام ثابت شده در شریعت مخالف نباشد، بر پایه روش امضاء مورد تایید شارع است، ولی اگر اصل آن رفتار یا برخی از اقسام آن با احکام ثابت شده شریعت در حوزه اقتصاد مخالف باشد، از ناحیه شریعت اصل آن رفتار مورد تایید و امضا قرار نمی‌گیرد یا تنها بخش مخالف با شریعت قید می‌خورد (همان، ۱۶۰).

۵. روش کشف

راه اصلی دست‌یابی به عناصر دینی مراجعه به نصوص دینی (کتاب و سنت) و بهره‌گیری از شیوه فقه سنتی است. از سوی دیگر عقل نیز می‌تواند برخی از عناصر را کشف کند که باید با مراجعه صحیح به آن در حوزه مورد پذیرش شرع، به استخراج چنین عناصری پرداخت. افزون بر این، روابط ثبوتی بین جهان‌بینی و فلسفه، فلسفه و مکتب، مکتب و نظام، فلسفه و نظام و... می‌تواند راه‌های غیر مستقیمی را برای دست‌یابی به عناصر دینی پیش پای ما بگذارد؛ به این معنا که از طریق یک عنصر مربوط به جهان‌بینی به کشف عنصری مثلاً در حوزه فلسفه اقتصادی اسلام می‌رسیم. با این وصف دو راه مستقیم و غیر مستقیم برای کشف عناصر دینی وجود دارد و راه مستقیم خود به دو شیوه مراجعه به نصوص دینی با بهره‌گیری از شیوه فقه سنتی و مراجعه به عقل قابل تحقق است.

اگر مذهب اقتصادی را شامل هر قاعده اساسی که برای حل مشکلات و مسائل اقتصادی به کار می‌رود بدانیم، از یک سو بر پایه افکار و مفاهیم ریشه‌ای، اخلاقی، فلسفی، علمی و... مبتنی شده (فلسفه اقتصادی) است و از سوی دیگر

اساس و قاعده‌ای برای وضع قوانین و احکام اقتصادی و در نتیجه تاثیر بر رفتارها و سازوکارهای اقتصادی می‌شود.

روش کشف، حرکت از روبنای احکام به زیربناست؛ به گونه‌ای که محقق با جمع‌آوری احکام و قوانین مدنی و تنظیم و تنسيق آنها می‌تواند مذهب اقتصادی را کشف کند.

ملاحظات و تردیدهایی درباره روش شهید صدر وجود دارد که مهم‌ترین آنها عبارت است از این که به چه دلیلی این مجموعه هماهنگ که حاصل برداشت‌های مختلف - حتی برداشت‌های مختلف افراد متعدد - است، حجت می‌شود؟

برخی این روش را مانند مصالح مرسله، استحسان و قیاس، برخوردار از اجازه حاکم شرع در بهره‌گیری از ظن غیر معتبر می‌دانند، برخی حجیت حکم ولایی حاکم را - که حکمی ابداعی و ایجاد است - منشاء حجیت آن می‌دانند که ضرورتی ندارد کاشف از واقع و نفس الامر باشد و برخی نیز به طور مبنایی در سطح نظام‌سازی قائل به معناداری و اعتبار حجیت نیستند.

به نظر می‌رسد یگانه راه تصحیح نظریه شهید صدر قائل شدن به انسداد باب علم و علمی در کشف نظام‌های اجتماعی و اقتصادی است (همان، ۱۶۷-۱۶۴)، یعنی ۲ شرط در روش کشف وجود دارد؛ **اول**: کشف قواعد اساسی امری ضروری در اقتصاد اسلامی باشد. **دوم**: از طریق علم یا علمی نیز کشف آن ناممکن باشد.

روشن است که با روش کشف، بخشی از مذهب یا مکتب اقتصادی به دست می‌آید؛ نه تمام آن. یکی از مهم‌ترین خطرهای این روش تاثیر شخصیت مجتهد در اجتهاد است؛ یعنی اگر سلیقه و افکار شخصی مجتهد در اجتهاد و کشف احکام و مفاهیم دخالت کند، جنبه حقیقی کشف از بین می‌رود.

نکته دیگر این که تنها یک فرد مجتهد می‌تواند در این فرایند شرکت کند و

به استنباط پردازد. در این صورت تسلط مجتهدان و فقیهان به اقتصاد و اقتصاد اسلامی ضروری می نماید تا بتوانند از روبنای احکام به زیربنای مرتبط با عرصه اقتصاد برسند.

اصطلاح اکتشاف که از سوی شهید صدر در مقابل تکوین قرار گرفت، از آن جهت انتخاب شد که اندیشمندان اجتماعی دیگر، مکتب‌های اقتصادی را ایجاد می‌کنند؛ ولی مکتب اقتصاد اسلامی از منابع اصیل اسلامی کشف می‌شود (شهید صدر، اقتصادنا، ۲، ۳۸۸). در این روش احکام ثابت مکتب اقتصاد اسلامی به‌عنوان خطوط کلی بایستگی‌ها و نبایستگی‌های اقتصادی که عدالت اقتصادی و رشد تولیدات جامعه را هم زمان مورد توجه قرار می‌دهد، کشف می‌شوند.

احکام ثابت در شریعت اسلام در چارچوب روش اجتهاد از منابع «کتاب و سنت» استخراج می‌شوند، مثلاً مالکیت خصوصی موقعیت‌های پیدایش آن برای افراد، محدودیت‌های پیدایش و استمرار آن محدوده مالکیت، انتقال اجباری و اختیاری مالکیت و شرایط آن به طریق اجتهاد از کتاب و سنت استخراج و استنباط می‌شود. روش اجتهاد در استنباط و اکتشاف خطوط کلی باید‌ها و نباید‌های اقتصادی جامعه نیز به نوع دیگری مورد استفاده قرار می‌گیرد و آن‌گاه مدلول التزامی مشترک، به‌عنوان یک خط و جهت کلی از این سلسله احکام، استخراج می‌شود. برای مثال از مجموعه احکام مرتبط با پول به این مدلول التزامی مشترک می‌رسیم که مالیت ارزش افزوده هر ماده و منبع اصلی تابع ملکیت همان ماده منبع است.

مفهوم نظریه‌پردازی برای کشف و تبیین مکتب اقتصاد اسلامی براساس احکام ثابت شریعت بدین گونه انجام می‌پذیرد که مجموعه‌ای از این احکام که از جهت موضوع و محمول مدلول التزامی مشترک دارند، منبع و مبنا در نظر

گرفته می‌شود، بعد این مدلول التزامی در قالب گزینه‌ای که موضوع و محمول دارد، از این مجموعه احکام استخراج و استنباط می‌گردد (آقا نظری، حسن، نظریه‌پردازی اقتصاد اسلامی، ۱۴۴ - ۱۴۳).

۶. روش نظام‌مند

روشی است که بر کل متشکل از اجزاء می‌نگرد و ارتباط اجزاء را با یک‌دیگر و تاثیر و تأثیر آن‌ها را مورد توجه قرار می‌دهد، علاوه بر آن که این کل خود با کل‌های دیگر تعامل دارد و خود جزیی از کل بزرگ‌تر است.

اصل این عقیده که اسلام یک کل نظام‌مند است و هنگام تحقیق درباره هر یک از اجزای آن باید آن جزء را در درون یک کل مورد مطالعه قرار داد، کاملاً صحیح است و مبانی روشنی دارد.

براساس این دیدگاه، جهان‌بینی اسلامی، اهداف و ارزش‌ها را تولید می‌کند و براساس آن‌ها قواعد اساسی که نشانگر روش اسلام در دستیابی به اهداف است، وضع می‌گردد. این قواعد نیز زیر بنای الگوهای رفتاری و الگوهای روابط قرار می‌گیرند که به وسیله احکام حقوقی و اخلاقی تبیین شده‌اند. این زنجیره - از جهان بینی تا احکام ثابت در حوزه اقتصاد- ارائه دهنده طرح نظری نظام اقتصادی اسلام با همه اجزاء و اهداف و مبانی است و به زمان و مکان خاصی وابسته نیست. آن چه برای هر عصر و وضع باقی می‌ماند، تطبیق این طرح نظری در خارج، به تناسب شرایط، است (یوسفی، احمد علی، ماهیت و ساختار اقتصاد اسلامی، ۱۰۲).

نکات ضروری

۱. مجموعه گزاره‌های اقتصاد اسلامی وحدتی سازمان یافته دارند. شهید

صدر می‌گوید:

«الاقتصاد الاسلامی جزءاً من الاکل» و «اننا فی وعینا للاقتصاد الاسلامی
لا یجوز ان ندرسه مجزئاً بعضه عن بعض» (صدر، همان، ۳۰۸).

۲. علاوه بر ارتباط اجزای اقتصاد اسلامی، ارتباط موضوعات درون اقتصاد
اسلامی با دیگر سیستم‌های نظام اسلامی نیز انفکاک ناپذیر است.

۳. «يَقُولُونَ نُؤْمِنُ بِبَعْضٍ وَنَكْفُرُ بِبَعْضٍ» (نساء/۱۵۰)؛ «قَالُوا نُؤْمِنُ بِمَا أَنْزَلَ عَلَيْنَا
وَيَكْفُرُونَ بِمَا وَرَاءَهُ» (بقره/ ۹۱). در تبیین اقتصاد اسلام باید مبتنی بر رویکرد و
نگاهی قانونمند و قاعده‌مند حرکت کرد (دادگر، یدالله، نگرشی بر اقتصاد اسلامی،
۸۱ - ۸۷).

در این زمینه ضمن آن که تلاش اقتصاددانان برای مستقل ساختن نظریه
اقتصادی و علمی جلوه دادن آن، قابل تقدیر است، پیمودن راه افراط و تاکید بر
ظاهرسازی و علم‌نمایی در این ارتباط یا ادعای نظریه محض اقتصادی می‌تواند
بدون نتیجه و مسئله‌ساز باشد. نظریه‌پردازان ارتدوکس نئوکلاسیک در مواردی
بیراهه رفتند و فیزیک‌گرایی و ریاضیات‌گرایی را، به‌جای استفاده کارآمد و
مناسب از این رشته‌ها، در اقتصاد جلوه دادند. گویی علم و روش علمی از نظر
آنها یک پدیده جهان‌شمول، یک نواخت و کاملاً فرمول‌بندی شده است! اما
حقیقت چنین نیست و ارتباط اقتصاد و غیراقتصاد اگر منطقی و طبیعی باشد،
ضروری است و اگر غیرطبیعی باشد، مشکل‌ساز می‌شود.

محدود کردن اقتصاددان به نظریه‌پردازی و دوری آنها از توصیه‌های
سیاست‌گذار، اقتصاد را ناکارآمد می‌سازد؛ حتی در آموزه‌های اقتصاد کلاسیک نیز
ردپای اخلاق و فلسفه بسیار جدی است و تکیه بر عقلانیت ابزاری در نگرش
ارتدوکس با واقعیت رفتاری بسیاری از جوامع ناسازگار است، با این حال کاربرد
صحیح ریاضیات در اقتصاد، کارایی این علم را افزایش می‌دهد و استفاده ابزاری

از آن برای علمی جلوه دادن اقتصاد به قول «مک لاپ» ما را به جنون علم نمایی نزدیک می‌کند.

نباید فراموش کرد که «محض‌گرایی نظریه اقتصاد» تنها به نگرش حاد نئوکلاسیک برمی‌گردد، بنابراین نباید منجر به نوعی تردید و یا بدبینی نسبت به دیگر شاخه‌های اقتصاد متعارف شود. در عین حال نظریه حاد نئوکلاسیک نیز کارایی خود را دارد.

مطالعات آیات قرآنی نیز به‌خوبی پیوسته بودن و آمیخته بودن نظام اقتصادی اسلام با دیگر نظام‌های اجتماعی و فردی اسلام را نشان می‌دهد. ارتباط اقتصاد با سیاست، اخلاق، فرهنگ، دین و خانواده در آیات قرآن کاملاً روشن است و به آسانی می‌توان ده‌ها و صدها شاهد مثال از آیات قرآن بر آن آورد. ناگفته نماند که در تحقیقات و مطالعات قرآنی پیوندهای نظام‌های فردی و اجتماعی کمتر مورد اهتمام قرار گرفته است؛ اگرچه در میراث تفسیری اسلامی - اعم از تفاسیر مفسران شیعه و اهل سنت - به‌صورت پراکنده می‌توان دقت نظرهایی را مشاهده کرد. شاید یکی از مهم‌ترین راه‌کارهایی که این گونه پیوندها را نمایان‌تر می‌سازد، نگاه تفسیری «سوره محور» است، بدین معنی که تمام آیات یک سوره را با انسجام و پیوستگی هدفمندی تلقی کنیم و با یافتن محور یا محورهای موضوعی سوره، به دنبال ارتباط و یک‌پارچگی آیات یک سوره و در مرحله بعد یک‌پارچگی تمامی سوره‌ها باشیم. از این منظر که متأسفانه در مطالعات و تحقیقات قرآنی کمتر مورد توجه بوده و هست، ابواب متعدد و متنوعی از حلقه‌های به‌هم پیوسته معرفتی از آموزه‌های اسلامی می‌توان یافت و به مجامع علمی عرضه نمود.

به اعتقاد نگارنده از مهم‌ترین سیاست‌ها و راه‌کارهایی که می‌تواند قرآن را از

مهجوریت پنهان و آشکار خود جدا سازد، گسترش و تعمیق مطالعات سوره محور برای یافتن ارتباطها و پیوندها و پیوستگی‌های آیات قرآن است. همان که امروزه با نگاهی سطحی و گاه مغرضانه، به عکس جلوه کرده و از گوشه و کنار با عنوان پراکندگی آیات قرآن همچون ضربه‌ای سهمگین بر سر مسلمانان فرود می‌آید.

۷. روش تأسیس

استنباط قواعد مکتبی و الگوهای رفتاری از طریق اصول جهان‌بینی و اهداف را روش تأسیس می‌نامند. به عبارت دیگر استنباط اصول و قواعد اساسی بر مبنای جهان‌بینی و فلسفه اقتصاد، همان روش تأسیس است که پس از این مرحله می‌توان پایه حقوق اقتصادی در رفتارهای اقتصادی را نیز بر مبنای این اصول و قواعد بنا نمود. مثلاً از مالکیت خداوند و ربوبیت الهی و نیز مسئولیت‌پذیری انسان به قدرت تصرف محدود انسان برسیم، یا از برخی مبانی بپذیریم که رفاه عمومی هدف قطعی نظام اقتصادی اسلام است؛ البته در این زمینه باید به حجت شرعی رسید (یوسفی، احمد علی، روش‌های کشف آموزه‌های اقتصاد اسلامی، مجله اقتصاد اسلامی، ۱۶۹ - ۱۷۹).

سخن پایانی

مطالعات روش‌شناسانه اقتصاد قرآنی که مایه قوام و دوام اقتصاد اسلامی است، به رغم اهمیت و تاثیرگذاری زیاد آن، گام‌های نخستین خود را برمی‌دارد. ندانستن قدر و منزلت این بحث ما را از مطالعات متوازن اقتصاد اسلامی محروم می‌کند و عرصه‌های ناگشوده‌ای از تحقیقات اقتصاد اسلامی را فرا روی ما کم اهمیت جلوه می‌دهد. نگارش این مقاله تلاشی ناچیز در گردآوری پاره‌ای از ملاحظات و دغدغه‌های صاحب‌نظران اقتصاد اسلامی و تفسیر قرآن بود و امیدوارم روزنه جدیدی را برای صاحب‌نظران و علاقمندان اقتصاد اسلامی بگشاید.

منابع

۱. آفانظری، حسن، نظریه‌پردازی اقتصاد اسلامی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، انتشارات سمت، ۱۳۸۵، چاپ اول.
۲. آخوند خراسانی، کفایه الاصول، شرح: سید محمد حسین شیرازی، دارالایمان، قم، ۱۴۰۶ هـ. ق.
۳. انصاری، شیخ مرتضی، فرائد الاصول بالرسائل مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۷ هـ. ق.
۴. پروفیسور خورشید احمد، ترجمه محمد جواد مهدوی، مطالعاتی در اقتصاد اسلامی، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۷۴، چاپ اول.
۵. دادگر، یدالله، درآمدی بر روش‌شناسی علم اقتصاد، نشر نی، ۱۳۸۴، چاپ اول.
۶. همو، نگرشی بر اقتصاد اسلامی، پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۸، چاپ اول.
۷. شهید صدر، محمد باقر، اقتصادنا، المجمع العلمی للشهید الصدر، قم، ۱۴۰۸ هـ. ق.
۸. غنی‌نژاد، موسی، مقدمه‌ای بر معرفت‌شناسی علم اقتصاد، مؤسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه، تهران، ۱۳۷۶ ش.
۹. قراملکی، احمد فرامرز، روش‌شناسی مطالعات دینی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ۱۳۸۰، چ اول.
۱۰. کیا الحسینی، سید ضیاء الدین، بررسی اندیشه‌های اقتصادی شهید صدر، انتشارات دانشگاه مفید، ۱۳۸۶، چاپ اول.
۱۱. مجموعه مقالات همایش بین‌المللی بررسی اندیشه‌های اقتصاد شهید صدر.
۱۲. موسوی خمینی، روح الله، صحیفه نور، وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۷۱.
۱۳. هادوی تهرانی، مهدی، مکتب و نظام اقتصادی اسلام.
۱۴. یوسفی، احمد علی، ماهیت و ساختار اقتصاد اسلامی، مرکز نشر آثار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه.
۱۵. همو، روش‌های کشف آموزه‌های اقتصادی اسلام، مجله اقتصاد اسلامی، سال ۶، تابستان ۱۳۸۵.